



تصور کن ... (اکتوبر ۲۰۰۶)

تصور کن جهانی را که نه "مرز" و نه "بوم" دارد
 نه زنجیرست و نه زندان ، نه کس سرنوشت شوم دارد
 نه اضطراب و تشویش ، نه روان مغموم دارد
 نیابی فردی که ناچار و تهی دست است
 تصور کن خواهر اگرچه باورش سخت است

* * *

فروشگاه مملو از کالا ، گیرد هر کسی یک مقدار
 نباشد سود و سرمایه ، بهره کشی و استثمار
 نه سگری زافیونی ، نه اعتیادی به قمار
 نشنوی کسی گوید ، روند زندگی سخت است
 تصور کن برادر ، اگرچه باورش سخت است

* * *

نه بیداد باشد ، نه انسانی بیند ز انسان ضرر
 تجاوز رخت بر بندد ، کی اختطاف شود دختر
 نگیرد مرد چهار زن ، انتخاب کند تک همسر
 نباشد مطرح ، کی "سیاه بخت" و کی "سفید بخت" است
 تصور کن خواهر ، اگرچه باورش سخت است

* * *

نبینی پا و تن برهنه ، یا ولگردی در کوچه
 ندارد قفل و کلید ، در و کلکین و صندوقچه
 نباشد رهنزی، گیرد گروگان دختر و بچه
 زوال سود و سرمایه و دستمزد و پول نقد است
 تصور کن برادر ، اگرچه باورش سخت است

* * *

کسی دیگر ندارد غم امروز و فردای خویش
 همه بی ریب و ریا مشغولند به کار خویش
 بگذرانند با آرامی زمستان و بهار خویش
 نگویند هیچ کس ، دگر " آرامی طالع و بخت است "
 تصور کن خواهر ، اگرچه باورش سخت است

* * *

مردم از صنعت خویش کفش پا و رخت تن پوشند
 به همزیستی و آبادی جهان از جان و دل کوشند
 دگر از سودای سود و سرمایه دایم سبکدوشند
 نه شاهی است نه گدا ، نه کسی " وارث تخت " است
 تصور کن برادر اگرچه باورش سخت است

* * *

گر به دست گیری چراغ و گردی دور شهر
 نگنجد در خیال و خاطرت هرگز چنین باور
 نه یابی فردی که دزدیده باشد، هم دُر و گوهر
 چه در فابریک و دفتر ، مردمان شاد و سرمست است
 تصور کن خواهر اگرچه باورش سخت است

* * *

امید به آزادی ! _____ جلد چهارم _____ رحیمه توخی

بیا خواهر ! برخیز برادر ! دستی دهیم با هم
تا به کی بنشینیم از درد و رنج خلق خود بیغم
طراوت بخشیم خشکیده چمن با ریزشِ شبِیم
نگوئید عمر ما بگذشته ، همت کن هنوز وقت است
تصور کن برادر اگر چه باورش سخت است

* * *

اگر جادو گری گیرد تو بره و مار و طومار
ز جهل روند نزد وی ، تا یابد شفاء بیمار
چرا نسازیم ذهن مردمی خفته را بیدار ؟
نترسید ز آنکه نشستِ تیر بر هدف سخت است
تصور کن برادر اگر چه باورش سخت است

* * *

نیایی انسانی در جهان ، باشد پی جنگ
دگر نسازد فابریک ، راکت و تانک و تفنگ
همه روند شتابان ، پی دانش و فرهنگ
جهل و خرافه بهر جهان دشمنِ سر سخت است
تصور کن برادر اگر چه باورش سخت است

* * * * *